

حقایق مربوط به شرکت های واگذار شده به آنان (۷) فراهم آوردن تسهیلات جهت حضور سرمایه‌گذاران خارجی در فرایند خصوصی سازی، به عنوان مهم ترین عامل تأثیرگذار بر تقویت بازار تقاضا (۸) ایجاد و شکل دهی فرهنگ سهامداری میان عموم مردم (۹) افزایش شفافیت در فرایند واگذاری ها.

در مجموع مهم ترین پارامترهای مؤثر بر خصوصی سازی در کشور، اجرای دقیق قانون سیاست های کلی اصل ۴۴ و فراهم آوردن ضمانت های اجرایی برای آن می باشد.

● در طول ۳/۵ سال واگذاری های اخیر، سازمان خصوصی سازی، حدود ۳۳ هزار میلیارد تومان، یعنی چیزی حدود یک سوم کل دارایی های دولت را واگذار کرده است. طبق این آمار، ایران در مقایسه با آمار واگذاری کشورهای اروپایی، خاورمیانه و آمریکای لاتین، بیشترین واگذاری را داشته است. ترکیه ۴ هزار و ۲۰۰ میلیارد ریال واگذاری داشته است، فرانسه که بالاترین سطح واگذاری را در اروپا داشته، ۱۷/۵ میلیارد یورو، ارزش کل واگذاری های آن کشور بوده، که این رقم از واگذاری های کشورمان کمتر می باشد. بر اساس سیاست های ابلاغی مقام معظم رهبری، تا پایان سال ۱۳۸۷ باید واگذاری شرکت های مشمول اصل ۴۴ به پایان برسد. کل واگذاری ها بر اساس ماده ۱۵ قانون اصلاح مواردی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی باید تا سال ۱۳۹۳ به پایان برسد.

برنامه زمان بندی کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت برای واگذاری، تدوین و عرضه که مربوط به این سازمان است، بر اساس برنامه های مدون در حال اجرا است که به منظور رسیدن کامل به برنامه و اهداف از پیش تعیین شده، نیازمند تقویت طرف تقاضا و فراهم نمودن بسترهای لازم برای سرمایه گذاری داخلی و خارجی و تهیه آیین نامه های اجرایی سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی است.

● چالش ها و مشکلات فرابخشی و درون بخشی خصوصی سازی عبارتند از:

(۱) منافع پنهان شرکت های مادر تخصصی و مدیران شرکت های مشمول واگذاری که گاهی باعث مقاومت آنان و تأخیر در آماده سازی شرکت ها و عدم همکاری با سازمان می گردد

(۲) برخورد دوگانه و عدم حمایت کافی نهادهای مختلف دولتی از شرکت های واگذار شده نسبت به زمان دولتی بودن آنها

(۳) عدم اطمینان بخش خصوصی نسبت به عملکرد وزارتخانه ها و شرکت های مادر تخصصی و ترس از تغییر برنامه ها و سیاست های آنها در خصوص

شرکت های واگذار شده

(۴) عدم آزادسازی قیمت یا محصولات برخی شرکت های مشمول واگذاری، از جمله شرکت های نفتی و برخی شرکت های فعال در حوزه انحصارات دولتی

(۵) نبود نهادهای تنظیم مقررات و داوری، در حوزه برخی واگذاری ها، خصوصاً در حوزه انحصارات

(۶) طولانی شدن فرایند تصویب و ابلاغ قانون اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴

(۷) عدم آمادگی بسیاری از بنگاه ها برای پذیرش در بورس و لزوم اقدامات وسیع و زمان برو آماده سازی آنها

(۸) پیچیدگی های عدیده فرایند قیمت گذاری سهام بنگاه ها

(۹) وجود انبوه شرکت های قابل واگذاری که در مدت زمان اندکی می بایستی آماده سازی، قیمت گذاری و عرضه گردند

(۱۰) اختلاط فراوان موضوعات حاکمیتی و تصدی در شرکت ها که موجب می شود تفکیک و انتقال وظایف حاکمیت به بدنه دستگاه های حاکمیتی، امری

پیچیده و زمان بر باشد.

● به منظور دستیابی به اهداف خصوصی سازی، استراتژی هایی به شرح زیر می توانند مطلوب باشند.

(۱) واگذاری نه تنها مالکیت، بلکه مدیریت شرکت های مشمول واگذاری، به بخش خصوصی انجام واگذاری ها به نحوی که منجر به ادامه مدیریت مستقیم یا غیرمستقیم دولت در شرکت ها شود، متفاوت است.

(۲) انجام مطالعات امکان سنجی قبل از واگذاری

(۳) انجام بازاریابی بر اساس پارامترهای علمی و بین المللی، به منظور استفاده بهینه از پتانسیل سرمایه گذاری داخلی در فرایند خصوصی سازی

(۴) طراحی روش های تأمین مالی خریداران

(۵) ایجاد و استفاده از نهادهای جانبی مانند بانک های سرمایه گذاری و مشاوران حرفه ای

(۶) طراحی نظام حمایتی و تأمین اجتماعی فراگیر برای کاهش اثرات منفی خصوصی سازی

(۷) تنوع بخشی به روش های اجرایی خصوصی سازی

(۸) توجه خاص به اصلاح ساختار شرکت ها قبل از واگذاری. ■

ابهامات سهام عدالت

سهام عدالت که توانسته در بین اقشار کم درآمد اجتماع و دهک های پایین درآمدی، امید به مشارکت در بسترهای اقتصادی را پدید، آورد نیازمند آسیب شناسی جتنی و رفع مشکلات است.

نظر می گیرد، ممکن است با اجرای طرح سهام عدالت، به صورت کامل عملی نشود.

(۴) موضوع و چالش دیگر این است که پرداخت سهام عدالت، نباید فقط به منزله موتوری باشد که سرعت خصوصی سازی را از بُعد عددی و رقمی افزایش دهد، بلکه از بعد کیفیت و محتوا نیز باید بتواند اهداف قانون و طرح را فراهم آورد.

(۵) ترتیب و شکل واگذاری سهام عدالت به گونه ای است که طرز تلقی مالکیتی برای صاحب سهم به وجود نمی آورد. به عبارتی، صاحب سهم فقط صاحب برگه های سهم و سود تقسیمی است و در تصمیمات شرکت، انتخاب مدیر عامل و هیأت مدیره، تدوین استراتژی و سیاست گذاری شرکت نقشی نخواهد داشت و همچنان دولت متولی امور مذکور خواهد بود.

خوشبختانه بنا به اظهارات رییس سازمان خصوصی سازی کشور، اغلب شرکت هایی که در قالب سهام عدالت واگذار شده اند، شرکت های پُر بارزده و پُر درآمدی بوده اند. این عامل قطعاً انگیزه های فروش سهام را جهت دریافت وجه آن کاهش داده و موجب می شود که دریافت سود برای خانوار نیازمند، در اولویت باشد.

در کنار حرکت های قابل تقدیری که در راستای واگذاری سهام عدالت و تقویت بنیه اقشار کم درآمد جامعه صورت پذیرفته است، منطقی نیست که حرکت مزبور را خالی از اشکال تلقی کرده و به ارزیابی نقاط ضعف آن نپردازیم. چراکه ارزیابی چنین طرحی می تواند ضمن روشن کردن مسیر، زمینه های هر چه بهتر اجرا شدن آن را فراهم آورد. در این راستا، موارد زیر قابل طرح است:

(۱) پراکندگی صاحبان سهام و ترکیب سهامداران که اکثراً از طبقات کم درآمد جامعه هستند، منجر به عدم مشارکت تدابیر این گروه، در تصمیم گیری های مدیریتی و سیاستی برای شرکت های مذکور می گردد، لذا شرکت های سهام عدالتی، همچنان دولتی و یا تعاونی زیر نظر دولت باقی خواهند ماند.

(۲) تضعیف رقابت بین شرکت های سهام عدالتی و خصوصی شده واقعی، به واسطه تداوم ارتباط این شرکت ها با دولت حتی پس از واگذاری، مشکل دیگری است که باید در جهت رفع آن اقدامی مؤثر صورت بگیرد.

(۳) با توجه به آمار و ارقام، در می یابیم که قسمت اعظم خصوصی سازی های صورت گرفته در سال های اخیر، در قالب سهام عدالت بوده است. در حالی که سیاست های کلی اصل ۴۴ که کاهش تصدی گری دولت و انجام نقش هدایتی و نظارتی را برای دولت در